

دنیس رز نیام - آرتور لوریسیو - روبرت داویس
ترجمه رضا پرویزی

پیشگیری وضعی از جرم^۱

کلارك^۲ پیشگیری وضعی از جرم را به عنوان اقدامات قابل سنجش و ارزیابی مقابله با جرم می‌داند. این اقدامات معطوف به اشکال خاص از جرائم بوده و از طریق اعمال مدیریت، یا مداخله در محیط بلاواسطه به شیوه‌ای پایدار و سیستماتیک منجر به کاهش فرصتهای جرم و افزایش خطرات جرم که همواره مد نظر تعداد بسیار زیادی از مجرمین بوده‌است، می‌گردد. این تعریف خیلی جامع است. مطمئناً، با توجه به این تعریف، پیشگیری وضعی از جرم مدتهای مدیری پیش از اینکه چنین عنوانی به آن اطلاق گردد وجود داشته‌است. تمامی اقداماتی که به وسیله وزارت دادگستری

۱- اقدام پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوالی که جرم ممکن است در آن به وقوع بپیوندد و شامل اقدامهای غیرکیفری است برای جلوگیری از به فعل درآمدن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاص که يك سلسله جرایم مشابه در آن به وقوع پیوسته یا ممکن است به پیوندد. (نجفی ابرنآبادی، دکتر علی حسین، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۰-۱۹)

* این مقاله با مساعدت و راهنمایی جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی ترجمه و تنظیم گردیده‌است.

به منظور خنثی کردن فعالیت سارقین اماکن انجام گرفته و طراحی محیط و ساختمانها به منظور افزایش میزان مراقبت از فضاهاى عمومى، سازماندهى همسایگان و تشکیل گروههای مراقب با آنچه که کلارك آن را پیشگیری وضعی از جرم نام نهاده است، کاملاً مطابقت دارند. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد پیشگیری وضعی از جرم عنوان جدیدی است بر آنچه پلیس یا عامه آن را پیشگیری از جرم می‌نامند. پیشگیری وضعی از جرم از دو لحاظ حائز اهمیت است. ابتدا این نوع از پیشگیری نظرات را از جانب مجرم به جانب محیط جلب نمود. پیشگیری وضعی از جرم با آنچه که فتاح^۱ از آن به عنوان رهیافت اثباتی جرم‌شناسی یاد می‌کند متفاوت است.

جرم‌شناسی تحقیقی - به اتکای وراثت یا محیط مترقی - معتقد است که مجرمین دارای ویژگیهای روانی خاصی هستند، که آنها را از بقیه مردم متمایز می‌سازد. در اصل انسانها بمبهای ساعتی هستند که منتظر انفجارند. در این مدل، تنها راه کاهش جرم تغییر (از طریق مجازات، درمان و بازپروری) عوامل انگیزشی مجرمین بالقوه می‌باشد. با از بین رفتن نظریه کنترل رفتار به وسیله ویژگیهای شخصیتی ثابت در روان‌شناسی، مفهوم تمایلات مجرمانه در جرم‌شناسی طرفدارانش را از دست داد. نظریه‌های رفتاری روانشناسی ریشه در ساختار انگیزش درونی دارند یا از تئوریهایی که بر انگیزه‌های وضعی یا فتنه‌انگیزی استوارند و در حال حاضر چندان اعتباری ندارند، ناشی شده است. طرفداران تحدید «عامل» از قبیل اسکینر^۲ و دیگران، از رفتارهای ناشی از کنترل انگیزه سخن می‌رانند. آنها وجود محرکهای درونی از قبیل گرسنگی، تشنگی و تمایلات جنسی را به عنوان پیش شرطهای رفتار انکار نمی‌کنند، اما در عوض بسیار بر این نکته که رفتار می‌تواند ناشی از مداخله در وضعیتهای محیطی باشد، اصرار می‌ورزند.

1- Fattah

2- Skinner

يك تغییر موازی در جرم‌شناسی سبب شد تا جرم‌شناسی شروع به صحبت درباره رفتار مجرمانه در قالب دیدگاه‌های انتخاب عقلانی یا فعالیت‌های روزمره^۱ بنماید. طرفداران این دیدگاه‌ها معتقد بودند که احتمال وقوع يك جرم بستگی به چگونگی درك ارکان مختلف محیط (برای نمونه فلسون ۱۹۸۶) توسط مجرم بالقوه دارد. پیشگیری وضعی از جرم قابل مقایسه با مفهوم «عامل» روان‌شناسان یعنی کنترل محرك است. آنها معتقدند احتمال وقوع جرم براساس کیفیت قرار گرفتن محرك در محیط، تقویت و یا تضعیف می‌گردد. محرك را می‌توان از طریق اعمال مدیریت، طراحی یا مداخله در محیط، توسط طراحان پیشگیری از جرم تغییر داد. جنبه دیگر اینکه پیشگیری وضعی از جرم دربردارنده يك نوآوری است و توانایی تمرکز بر روی يك جرم خاص، از هر نوع که باشد، از ویژگی‌های آن است. این نوع از پیشگیری با این فرض که مرتکبین هر يك از جرائم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، جرائم خیلی خاص را هدف قرار می‌دهد. کلارك مثالی را براساس تحقیقاتی که پوینر^۲ و وب^۳ انجام داده‌اند بیان می‌نماید که نشان می‌دهد سرقت از منازل مسکونی در انگلستان به وسیله دو گروه متفاوت از مجرمین با شیوه‌های عمل یا شگردهای کاملاً متفاوت انجام می‌گیرد. بنابراین آنان نتیجه می‌گیرند اقداماتی که برای کاهش سرقت لوازم برقی خانگی از منازل (که اغلب توسط سارقین حرفه‌ای و دارای وسیله نقلیه انجام می‌شود) لازم است با اقداماتی که برای متوقف ساختن سرقت پول نقد و جواهرات از منازل (که توسط سارقین پیاده و فرصت طلب انجام می‌شود) باید انجام گیرد، کاملاً متفاوت از هم می‌باشند. تمرکز پیشگیری وضعی از جرم بر انگیزه‌ها و موانع رفتاری خاص، آن را از رویکردهای دیگر پیشگیری از جرم، که هدف آنها کاهش یا پیشگیری از تعداد زیادی از جرائم به صورت فله‌ای است، متمایز می‌سازد. (برای نمونه سرقت‌های اماکن)

1- Routine Activity

2- Poyner

3- Webb

همچنین، پیشگیری وضعی از جرم بر این نظریه که موقعیتها قابل پیش‌بینی‌تر از افراد هستند استوار است. در تأیید این نظریه، تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که درصد زیادی از حوادث و وقایع مجرمانه در محلهای خاصی متمرکز شده‌اند که جرم‌شناسان از آنها به عنوان نقاط جرم‌خیز^۱ یاد می‌کنند. بنابراین اقدامات پیشگیری از جرم برای کاهش بیش از حد معمول فرصتهای جرم‌زا که در چنین محیطهایی پدید می‌آیند، به کار برده می‌شود.

خاستگاه و مفهوم پیشگیری وضعی از جرم

براساس نظر کلارک، پیشگیری وضعی از جرم اصطلاحی است که برای اولین بار توسط واحد پژوهش وزارت کشور انگلستان ابداع گردیده‌است. این اندیشه از مطالعات وزارت کشور درباره بازپروری زندانیان در سیستم اصلاحی انگلستان گرفته شده‌است. یکی از نکاتی که در مطالعات مذکور ذکر گردیده این است که: احتمال فرار و تکرار جرم توسط جوانانی که در منازل نیمه‌کاره سکونت دارند بیشتر است و این مسئله با محیط آنها بیشتر از شخصیت یا سابقه آنان مرتبط است. بنابراین محققین نتیجه گرفتند: «فرصتهایی را که موجب سوء رفتار می‌شوند، می‌توان از بین برد». مفهوم پیشگیری وضعی از جرم با نظریاتی که درست در همان زمان در ایالات متحده در حال تکوین بود همخوانی داشت. مفهوم کنترل جرم از طریق تغییر محیط فیزیکی در اثر تلاشهای نیومن^۲ و جفری^۳ محبوبیت زیادی به دست آورده‌بود. این نظریه پردازان استدلال می‌کنند که با تغییر طراحی فضاهای تجاری و مسکونی می‌توان از وقوع جرائم پیشگیری نمود. نیومن معتقد بود که طراحی ساختمانهای تجاری باید به نحوی باشد تا دسترسی عموم را به آنجا محدود و ساکنین را نسبت

1- Hotspots

2- Newman

3- Jeffrey

به مراقبت از رفتار همسایگان در اماکن عمومی واحساس مسئولیت در این خصوص ترغیب نماید. مفهوم «فضای قابل دفاع»^۱ نیومن و مفهوم «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط» جفری (CPTED) عیناً مطابق با رهیافت پیشگیری وضعی از جرم است. کلارک به همراه کورنشین خالق نظریه «انتخاب عقلانی» بزهکار در جرم‌شناسی هستند. این رویکرد می‌پندارد که مجرمین بالقوه تصمیم‌گیرندگان عاقلی هستند که به دنبال تأمین منافع اقتصادی خود - پس از ارزیابی میزان خطر و منافع حاصله - از طریق ارتکاب جرم هستند. این رهیافت تأکید می‌ورزد که روند تصمیم‌گیری در جرائم مختلف متفاوت است و مدل انتخاب عقلانی به محققین اجازه می‌دهد که در قالب یک چارچوب به بررسی تجربی روند این تصمیم‌گیری بپردازند.

پیشگیری وضعی از جرم به این رویکرد به‌منظور کاهش فرصت‌های جرم اهمیت می‌دهد و روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند. همچنین پیشگیری وضعی از جرم با نظریه‌های فعالیت روزمره و شیوه و «سبک زندگی»^۲ پشتیبانی می‌گردد. نظریه فعالیت روزمره بر همگرایی زمانی و مکانی سه رکن اصلی لازم برای وقوع جرم یعنی یک بزهکار بالقوه، یک هدف جذاب و فقدان مراقب توانمند و مؤثر متمرکز است. نظریه فعالیت روزمره از جرم‌شناسی اجتماعی پدید آمده‌است که بر طبق آن جرم با تحرك و جابه‌جایی مردم در زمان و مکان پدید می‌آید. نظریه شیوه و سبک زندگی از لحاظ مفهوم با نظریه فعالیت روزمره مرتبط است. نظریه شیوه و سبک زندگی ادعا می‌کند که احتمال بزه‌دیدگی افراد به واسطه وقوع جرم براساس میزان قرار گرفتن آنها در موقعیتهای پرخطر - که مجرمین بالقوه در آنها حضور دارند - متفاوت است. عامل متغیر اساسی در نظریه‌های فعالیت روزمره و شیوه و سبک زندگی، عامل در معرض دید قرار گرفتن یا نمایانی^۳ است. پس هر دو نظریه با رویکرد کاهش فرصت‌های

1- defensible space

2- Life Style

3- Exposure

ارتکاب جرم، که با مفهوم پیشگیری وضعی از جرم سازگار است، مطابقت دارند. توسعه مدل فعالیت روزانه کلارک روابط پیشگیری وضعی از جرم را روشنتر می‌سازد. او قصد دارد رکن مکمل دیگری را به عناصر تشکیل‌دهنده جرم که وجود آنها لازم و ضروری است بیفزاید. این عامل مکمل «تسهیل‌کنندگان ارتکاب جرم»^۱ نام دارد.

منظور از تسهیل‌کنندگان جرم ابزارآلاتی هستند (مثل خودرو، سلاح و...) که وجود آنها برای ارتکاب انواع خاصی از جرائم لازم و ضروری است. مطالعه و بررسی پیرامون وسایل لازم برای ارتکاب جرم موجب توجه بیشتر به چگونگی کاهش دسترسی مجرمین بالقوه به این قبیل وسایل می‌شود.

استراتژیهای پیشگیری وضعی

کلارک دوازده استراتژی را برای طراحان پیشگیری وضعی از جرم برشمرده است. هر استراتژی یکی از سه مورد انگیزشی را که تصور می‌شود رفتار مجرمین بالقوه تحت تأثیر آنهاست، مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱- افزایش اقدامات لازم برای ارتکاب جرم^۲: قصد یک دسته از استراتژیها تحت تأثیر قراردادن میزان تلاشها و اقدامات لازم برای ارتکاب جرم توسط مجرم می‌باشد. تکنیکهای حمایت و حفاظت از آماجها^۳، سعی دارد با ایجاد موانع فیزیکی سبب محدود شدن فعالیت مجرمین بالقوه گردد. قفل کردن دربها، استفاده از قفل فرمان در اتومبیلها، استفاده از گاوصندوقها و بهره‌گیری از شیشه‌های ضدگلوله نمونه‌هایی از حمایت و حفاظت از آماجهای جرم به‌شمار می‌روند.

1- Crime facilitators

2- Increasing the efforts

3- Target Hardening

اقدامات مربوط به «کنترل دسترسی»^۱ ورود مجرمین بالقوه را به محیطهای فیزیکی یا مجازی مشکلتر می‌سازد. از کنترل دسترسی در طراحی محیطهای شهری به‌طور گسترده برای جلوگیری از ورود غریبه‌ها به محیطهای خاص استفاده می‌شود. (برای مثال: با مسدود کردن خیابانها از ورود اتومبیلهای غریبه به يك محل خاص جلوگیری می‌کنند) همچنین از این تکنیک می‌توان در ساختمانها استفاده کرد. (برای مثال با قرار دادن يك میز پذیرش در اماکن عمومی یا خصوصی ورود و خروج را کنترل کنند) کلمات عبور و کدهای بانکی الکترونیکی که موجب محدودیت دسترسی به پرونده‌ها در سیستم‌های الکترونیکی می‌گردند نمونه‌هایی از کنترل دسترسی می‌باشد.

برخی از روشهای پیشگیری وضعی از جرم سعی دارند مجرمین را منحرف نمایند بدین نحو که از مواجه شدن بزهکاران بالقوه با موقعیت یا فرصت ارتکاب جرم پیشگیری کنند. طراحی و ساخت استادیومهای فوتبال به نحوی است که تماشاچیان رقیب از هم جدا باشند تا بدین وسیله فرصت اعمال خشونت بار کمتر شود، نمونه‌ای از تکنیک مذکور می‌باشد.

آخرین مدلی که توسط کلارک برای افزایش تلاشها شناسایی شده است کنترل تسهیل‌کننده‌های ارتکاب جرم می‌باشد. آنها وسایلی هستند که برای ارتکاب جرم لازم بوده یا در صورت وجود، مجرمین بالقوه تشویق به ارتکاب جرم می‌شوند. قوانین کنترل سلاح سعی دارد دسترسی به برخی از انواع خاص سلاح را که ممکن است از آنها در ارتکاب جرائم بهره‌برداری شود، محدود نماید. در برخی از شهرها تلفنهای عمومی را از محله‌هایی که ممکن است در آنجا افراد از تلفنها برای فروش مواد مخدر استفاده بنماید، برداشته‌اند.

۲- افزایش خطرات ارتکاب جرم: گروهی دیگر از تکنیکهای تشریح شده توسط

کلارك سعی در افزایش خطرات ارتکاب جرم برای مجرمین بالقوه دارند. کنترل ورود و خروج برای مشکل ساختن ورود یا خروج برخی اشیاء به محلهای خاص صورت می‌گیرد. برای نمونه فلزیابهای کار گذاشته شده در فرودگاه موجب افزایش خطر دستگیری کسانی که قصد بردن سلاح یا مواد منفجره به داخل هواپیما را دارند، می‌گردد. دستگاههای دزدگیر یا کشف سرقت در فروشگاههای کتاب و غیره به منظور جلوگیری از سرقت کتاب یا اجناس نصب می‌شود.

شاید مراقبت و نظارت رسمی معروفترین تکنیک پیشگیری وضعی از جرم باشد. مراقبت رسمی شامل بهره‌گیری از افسران ملبس به لباس رسمی (یونیفرمه) یا وسایل کنترل و مراقبت برای ترساندن مجرمین بالقوه است. دوربینهای امنیتی و سایر ابزارآلات الکترونیکی امنیتی قابلیت‌های مراقبت پلیس را گسترش و افزایش می‌دهند. پیشرفت و توسعه فن‌آوری موجب ادامه گسترش اشکال مراقبت موجود فعلی خواهد شد. (برای مثال سیستم لوجک برای جلوگیری از سرقت اتومبیل روش مؤثری در افزایش خطر کشف می‌باشد. این وسیله در داخل موتور خودرو کار گذاشته می‌شود و وقتی فعال گردد این امکان را برای پلیس فراهم می‌سازد که بتواند محل دقیق خودرو را کشف نماید).

کارمندان که در فضاهای مشرف به بیرون کار می‌کنند می‌توانند همین نقش را در بازدارندگی جرائم بالقوه از طریق مراقبت کارکنان داشته باشند. پلیس‌فروشان ایستگاههای مترو، نگهبانان هتلها یا سایرین می‌توانند در محیطها یا محلهای کار خودشان اقدام به افزایش مراقبت نموده و خطر وقوع جرم را افزایش دهند.

«مراقبت طبیعی» مجموعه‌ای از روشهای افزایش توانایی انسانها یا ماشینها برای مراقبت از يك منطقه می‌باشد. چراغانی خیابانها این امکان را برای ساکنین یا عابرین فراهم می‌کند تا بر فعالیتهایی که در خیابانها رخ می‌دهد نظارت و دید کافی داشته باشند. به همین طریق از بین بردن یا رفع موانع دید از جلوی در منازل ممکن

است موجب افزایش میزان رؤیت‌پذیری سارقین بالقوه منازل شود و مراقبت طبیعی عابرین و رهگذران از این طریق بیشتر گردد.

۳- کاهش جاذبه آماجها: هدف آخرین مجموعه از تکنیکهای پیشگیری وضعی که کلارک آنها را مورد بحث و بررسی قرار داده است. کاهش سود حاصله از ارتکاب جرم می‌باشد. حذف آماجها، منافع بالقوه حاصله از جرم را از دسترس مجرمین بالقوه دور نگه می‌دارد. نمونه‌هایی از قبیل ارائه بلیط به جای پول برای پرداخت به وسائط نقلیه عمومی (به نحوی که رانندگان دسترسی به پول نداشته باشند) استفاده از صندوقهای قفل شونده زمانی در فروشگاههای شبانه‌روزی که سبب کاهش مقدار موجودی پول نقد و کاهش احتمال سرقت به عنف از حسابداران می‌شود از جمله اقدامات مرتبط با روشهای فوق‌الذکر می‌باشد.

همچنین با علامتگذاری اموالی که، بیشتر، آماج سارقین اماکن واقع می‌شوند، می‌توان منافع بالقوه را کاهش داد و به این طریق اموال مذکور را برای دیگران بلااستفاده نمود. برنامه‌های علامتگذاری اموال و نشانه‌گذاری دامها و ثبت شماره شناسایی اتومبیل در سایر قسمتهای اتومبیل نمونه‌هایی از تدابیر شناسایی اموال به‌شمار می‌روند.

همچنین می‌توان منافع را با از بین بردن جاذبه‌هایی که برای مجرمین دارند تقلیل داد. آخرین تکنیک پیشگیری وضعی، که کلارک از آن به عنوان وضع قواعد خاص^۱ یاد می‌کند، سعی دارد با تعیین قواعد مخصوص مجرمین بالقوه را با این واقعیت مواجه سازد که در صورت انجام عمل ممنوعه باید قیمت سنگینی را بپردازند. مثلاً

۱- کلارک، جرم‌شناس معروف انگلیسی، اخیراً تعداد روش‌های پیشگیری وضعی را به ۱۶ مورد افزایش داده و آنها را در ۴ گروه که هر گروه در بردارنده ۴ روش است دسته‌بندی نموده است در این دسته‌بندی جدید گروهی تحت عنوان افزایش احساس شرم و گناه به گروه‌های سه‌گانه قبلی اضافه گردیده و وضع قواعد خاص، تقویت سرزنش اخلاقی، کنترل عوامل خنثی‌کننده موانع بازدارنده و تسهیل هماهنگی‌ها روشهای زیرمجموعه آن می‌باشند. در دسته‌بندی جدید به جای روش وضع قواعد خاصی در دسته‌بندی قدیم روش Denying benefits جایگزین شده است.

قواعد وضع شده از سوی سازمانها و مؤسسات در مورد آزار و اذیت جنسی خانمها سبب می‌گردد که مجرمین بالقوه از این‌گونه رفتارها اجتناب کنند.

کاربردهای پیشگیری وضعی از جرم: همان‌طور که ملاحظه کردید پیشگیری

وضع‌ی از جرم دربردارنده طیف وسیعی از فعالیتها و اقدامات مقابله با جرم می‌باشد. این تنوع را در بررسی مواردی چند از برنامه‌ها و طرحهای اجراء شده برای پیشگیری از جرائم مختلف می‌توان مشاهده نمود. این مطالعات چگونگی برخورد دست‌اندرکاران پیشگیری وضعی از جرم را با مشکلات به‌صورت واقعی بیان می‌دارند.

پیشگیری از سرقتهای مقرون به آزار از دفاتر پست: ایکلوم اقدام به ارزیابی

یکی از طرحهایی که به‌منظور کاهش سرقتهای به‌عنف از دفاتر پست در شهر لندن، در اوایل دهه ۸۰، به‌اجراء درآمد، نموده‌است. افزایش ۴۰۰ درصدی سرقتهای به‌عنف در طول فقط یک سال موجب شد تا مسئولین امر اقدام به تجزیه و تحلیل و بررسی شگردهای سارقین به‌عنف و یافتن راهی مناسب و بازدارنده نمایند. مانع انتخابی در مقابل سارقین، ارتقای وضعیت حفاظهای ایمنی پیشخوانهایی بود که از آنها در دفاتر پست استفاده می‌شد. حفاظهای قدیمی موانع چندانی محکمی نبودند اما حفاظهای جدید موانع کاملاً مناسبی بودند. ایکلوم متوجه شد که آمار سرقتهای به‌عنف از دفاتر پست پس از ارتقای وضعیت حفاظهای ایمنی به‌میزان بسیار زیادی کاهش یافته‌است. (با این حال به حد استاندارد نرسید) به‌خاطر اینکه در پروژه مبارزه با سرقت به‌عنف از دفاتر پستی بخشی برای ارزیابی و تطبیق در نظر گرفته نشده‌بود، ایکلوم برای آگاهی از این موضوع که آیا کاهش سرقتهای به‌عنف از دفاتر پست تحت تأثیر کاهش کلی سرقتهای به‌عنف بوده یا اینکه اقدامات پیشگیری وضعی علت آن بوده‌است؟ اقدام به بررسی همه‌جانبه‌ای نمود. او نوسانات سرقت به‌عنف از اماکن تجاری دیگر به غیر از دفاتر پست و سرقتهای بعنف از کارمندان پست یا مشتریان در خارج از منطقه امنیتی را که حفاظها نصب شده‌بودند بررسی کرد. همچنین او به مطالعه سرقتهای

به‌عنف از دفاتر فرعی پرداخت و نتیجه گرفت که حفاظهای ایمنی مورد استفاده در دفاتر پست ۴۰ درصد سرقت‌های به‌عنف را کاهش داده‌است. ارائه چنین تصویری از تأثیر حفاظها در کاهش سرقت به‌عنف از دفاتر پست کاری مشکل و پیچیده بود. ایکبلوم به دلایلی دست یافت که نشان می‌داد سرقت‌های به‌عنف از کارمندان و مشتریان در مناطق ناامن دفاتر فرعی پست نیز همزمان با سرقت‌های به‌عنف در مناطق امن کاهش یافته‌است. با این حال او دریافت که سارقین به‌عنف به شگردهایشان افزوده‌اند. به‌دنبال ارتقای وضعیت حفاظهای ایمنی حملات فیزیکی بر علیه آنها کاهش یافته اما در عوض کثرت تکرار تهدید متصدیان به وسیله سلاح گرم افزایش یافته‌بود. اما باید در نظر داشت که به‌کارگیری سلاحهای گرم به‌عنوان وسیله‌ای نسبتاً موفقیت‌آمیز در سرقت‌های به‌عنف قبلاً اثبات گردیده و تدابیر اتخاذشده سبب این افزایش نشده‌بود. با این وجود سارقین به‌ازای هر موفقیت با دوبار شکست مواجه شده‌بودند. همچنین ایکبلوم حدس می‌زند که احتمال دارد این اقدامات موجب جابه‌جایی سرقت‌های به‌عنف از درون مناطق امن دفاتر و فرعی پستی به‌محل‌های خرید و فروش تمبر و تحویل پول نقد در دفاتر فرعی شده‌باشد. این نمونه کاملاً با پایه و اساس پیشگیری وضعی که معتقد است جرائم کاملاً فرصت‌طلبانه می‌باشند همساز نیست. با این حال ایکبلوم نتیجه گرفت که سارقین موردنظر، در سرقت‌های به‌عنف از دفاتر فرعی پستی، آماتورها بودند. اطلاعات او موجب تسهیل در درک مفهوم اعمال ارتكابی افراد متمایل به ارتكاب جرم گردید و اینکه اگر طرح و نقشه اصلی آنان به هم بخورد یا به نحوی عقیم بماند به دنبال راههای متنوعی برای دستیابی به هدفشان خواهند بود.

پیشگیری از سرقت‌های مقرون به‌آزار از اتوبوسها: اواخر دهه ۶۰ در اغلب

شهرها، روشهای متداول رانندگان اتوبوسها با استفاده از سیستم دیگری تغییر یافت.

ارزیابیهای به‌عمل آمده نشان می‌داد که کاهش سرقت‌های مقرون به‌آزار از اتوبوسها

همزمان با اجرای طرح فروش بلیط به جای اخذ کرایه تا اندازه زیادی کاهش پیدا کرده است. گزارشات چیکن، لاولس و استیونسون حاکیست که پس از اجرای طرح مذکور سرقت‌های به‌عنف از اتوبوسها از ۶۷ فقره به ۷ فقره در ماه کاهش پیدا کرده است. کار چندان ساده‌ای نیست که ادعا کنیم این کاهش عظیم، که در چندین محل دیگر تکرار گردیده با تغییر خط مشی فوق نامرتب بوده است. کار چیکن، لاولس و استیونسون به این دلیل حائز اهمیت است که آنها تلاش و کوشش جدی برای بررسی تأثیرات ناخواسته استراتژی پیشگیری از جرم به عمل آوردند. از جمله اینکه آنها سعی در ارزیابی جابه‌جایی جرم نمودند. مسؤلین استدلال کرده‌اند (پلیس محلی نیز اظهار داشته است) افرادی که به واسطه تدابیر به‌کار گرفته شده موفق به اقدام برای سرقت از اتوبوسها نشوند ممکن است اقدام به سرقت به‌عنف از فروشندگان بلیط در ایستگاههای مترو کنند. آنها پس از بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق دلایلی به دست آوردند که نشان می‌داد چنین جابه‌جایی رخ داده است. اما نتیجه گرفتند که افزایش سرقت‌های به‌عنف مترو کمتر از میزان کاهش سرقت‌های به‌عنف از اتوبوسها بوده است. چیکن و همکارانش، همان‌طور که یک‌بوم قبلاً گفته بود، پیشنهاد کردند که شخصیت مجرمین بررسی و نمودار شخصیت آنان ترسیم گردد. آنها معتقدند افرادی که اقدام به نقض قانون می‌کنند وقتی که در اثر اجرای تدابیر پیشگیری وضعی از رسیدن به هدف اصلی بازمی‌مانند انرژی خود را در راه‌های مجرمانه متفاوت دیگری به‌کار خواهند گرفت.

کاهش خرابکاری در اتوبوسها: نوعی از پیشگیری وضعی برای کاهش خرابکاری در اتوبوسهای دو طبقه را تشریح نموده است. ایراد خسارت به اتوبوسها موجب وارد آمدن حدود ۲۵۰ هزار پوند خسارت در سال به یکی از شرکتهای حمل‌ونقل می‌شد. اغلب خرابکاریها در طبقه بالای اتوبوسها و توسط دانش‌آموزان بوقوع می‌پیوست. راه حل انتخابی برای رفع این مسئله نصب دوربین‌های تلویزیونی

مدار بسته بود. اما به دلیل هزینه زیاد این کار شرکت حمل و نقل مربوطه تصمیم گرفت اقدام به نصب دو دوربین اصلی در دو اتوبوس و چند دوربین بدلی در چند اتوبوس دیگر از ۸۰ دستگاه اتوبوسی که در ایستگاهی خاص قرار داشتند نماید. شرکت حمل و نقل همزمان با نصب دوربینها در مدارس و رسانه‌های گروهی برنامه‌هایی آموزشی در ارتباط با خرابکاری اجراء نمود. از مدارك ویدئویی به دست آمده از اقدامات خرابکارانه در شناسایی و خنثی‌سازی کارهای خرابکاران استفاده مفید و مؤثری به عمل آمد. در ماههای اولیه پس از نصب دوربینها، میزان تعمیر صندلیها و هزینه نظافت داخل اتوبوسها به مقدار زیادی کاهش یافت. این کاهشها نه تنها در اتوبوسهای مجهز به دوربین بلکه در تمامی اتوبوسها مشهود بود. توفیقات حاصله خواه در اثر نصب دوربینها و خواه در اثر اجرای برنامه‌های آموزشی و یا هر دو کاملاً قابل توجه بودند.

پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی: یکی از زمینه‌های کاربرد پیشگیری وضعی، بزه‌دیدگان تکراری می‌باشد. مسئله اساسی در پیشگیری این است که کجا و چگونه می‌توان از منابع پیشگیری از جرم استفاده و بهره‌برداری نمود. به بیان دیگر چگونه می‌توان پیشگیری از جرم را به کار گرفت. منطقی این است که منابع محدود به اشخاصی که بیشتر در معرض خطر قرار دارند اختصاص داده شود. همچنانکه تاکنون معلوم گردیده‌است و آثار وسیع منتشر شده نشان می‌دهد خطر بزه‌دیدگی آتی کسانی که یک بار بزه‌دیده جرمی واقع شده‌اند در مقایسه با سایرین به مراتب بیشتر است. این عقیده درباره بزه‌دیدگان خشونت‌های خانوادگی چندان تعجب‌انگیز نیست. عقیده عمومی بر این است که تکرار بزه‌دیدگی در خشونت‌های خانوادگی نه تنها ممکن بلکه در صورتی که بزه‌دیده در آن وضعیت باقی بماند حقیقتاً محتمل است. در حال حاضر تحقیقات نشان داده‌است که بزه‌دیدگان سرقت‌های به‌عنف ۹ برابر بیشتر و بزه‌دیدگان آزاد و اذیت جنسی ۳۵ برابر بیشتر از سایرین در معرض بزه‌دیدگی بعدی

هستند. بررسی تکرار بزه‌دیدگی در بریتانیا بیشتر از آمریکای شمالی رایج و متداول است. نتایج حاصله از تحقیقات انجام شده در بریتانیا کاملاً با یافته‌های پژوهشگران در آمریکای شمالی مطابقت دارد. برای مثال خلاصه‌ای از جدیدترین تحقیق انجام شده توسط دفتر ملی پیشگیری از جرم نشان می‌دهد در بریتانیا، منازلی که یک بار مورد سرقت واقع شده‌بودند چهار برابر بیشتر از سایر منازل هدف سرقت واقع گردیده‌اند و ۲۲ درصد از سرقت‌های وسایط نقلیه از ۸ درصد بزه‌دیدگان انجام شده‌است. خطر تکرار بزه‌دیدگی بلافاصله بعد از بزه‌دیدگی اولیه، به گوناگونی و تنوع جرائم از قبیل جرائم مرتبط با مدرسه، سرقت اماکن مسکونی، جرائم ناشی از تعصب، خشونت‌های خانوادگی جرائم مرتبط با اتومبیل، درگیری و نزاع با همسایگان، خرده‌فروشی مواد مخدر و غیره بستگی دارد. برای مثال در خشونت‌های خانوادگی، خطر تکرار بزه‌دیدگی در ۱۱ روز اول بیشتر است و پس از آن این خطر کاهش می‌یابد. در سرقت اماکن مسکونی، ۴۰ درصد از سرقت‌های تکراری در طول مدت یک ماه پس از سرقت قبلی روی می‌دهد. پس از گذشت حدود ۶ ماه احتمال تکرار سرقت به سطح میانگین خود در منطقه موردنظر می‌رسد. نتایج حاصله از این مطالعات از نظریه تکرار بزه‌دیدگی حمایت کرده و بر این نکته تأکید می‌کند که بزه‌دیدگی اولیه خطر بزه‌دیدگی‌های بعدی را افزایش می‌دهد. برای مثال سارقینی که در هنگام اولین سرقت از منزل وضعیت آنجا را مشاهده می‌نمایند ممکن است وسایل دیگری را در محل ببینند که نظر آنان را جلب نماید و به خاطر سرقت آنها مجدداً به منزل مذکور بازگردند. این قبیل افراد نه تنها در معرض بیشترین خطر قرار دارند بلکه موقعیت و وضعیت آنها فرصتی را برای پذیرش به‌کارگیری اقدامات پیشگیرانه فراهم می‌سازد. هفته‌های اول پس از وقوع جرم و در مدت زمانی که بزه‌دیدگان احساس آسیب‌پذیری می‌کنند و تمایل به تغییرات رفتاری و شیوه زندگی دارند روزنه‌امیدی برای تقلیل فرصت‌های جرم‌پدیدار می‌گردد. بریتانیا از پیشگامان کار با بزه‌دیدگان در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی

مکرر آنان است. در يك طرح پیشگیری از جرم که برای بزهدیدگان سرقت‌های اماکن مسکونی طراحی شده، استراتژی‌های پیشگیری وضعی از قبیل: جایگزینی کنتور برق و گاز معمولی با سکه‌ای، افزایش ایمنی، علامتگذاری اموال، حمایت از بزهدیده و اطلاع‌رسانی و مراقبت همسایگان (شامل ۶ تن از نزدیکترین همسایگان بزهدیده) به‌اجراء درآمده‌است. ارزیابی به‌عمل آمده از اجرای طرح نشان داد که در منطقه موردنظر در مقایسه با مدت مشابه قبل از اجرای طرح و در مقایسه با سایر حوزه‌های استحفاظی به‌مدت ۳ سال پس از اجرای طرح، سرقت اماکن مسکونی به‌صورت چشمگیری کاهش یافت. برنامه‌های مشابه برای بزهدیدگان سرقت اماکن در سه منطقه مسکونی دیگر به‌اجراء درآمد و نشان داد که میزان بزهدیدگی تکراری کاهش یافته، هرچند هیچ اثری از گسترش ظاهری آثار طرح به سایر مناطق مشهود نبود. اما هیچ دلیل واضحی که نشان‌دهنده جابه‌جایی جرم باشد نیز به‌دست نیامد. در طرح یورک شایر غربی به بزهدیدگان سرقت منزل و سرقت اتومبیل، براساس دفعات بزهدیدگی آنان در سال قبل، خدمات واکنشی بیشتری ارائه گردید. اقداماتی (مناسب وضعیت بزهدیده) از قبیل افزایش ضریب ایمنی، علامتگذاری اموال یا خودرو، مراقبت پیله‌ای (همسایگان) گشتی‌های متمرکز، هدف قراردادن مجرمین، اولویت در انگشت‌نگاری و اثربرداری و کار گذاشتن سیستم‌های دزدگیر و تجهیزات تعیین مکان اتومبیل برای این‌گونه بزهدیدگان انجام گرفت. نتایج ارزیابی اقدامات مذکور تاکنون منتشر نشده‌است. در طرح کاهش خشونت‌های خانوادگی، به بزهدیدگان سیستم‌های اعلام خطر با سیم که به‌وسیله تلفن مرتبط با اداره پلیس بودند ارائه شد. افسران واکنش به فوریت از اطلاعات مربوط به تماس‌های تلفنی مطلع می‌شدند آنها دارای احکام معتبر قضایی و بروز برای برخورد با متهمین بودند. دست‌اندرکاران خدمات‌رسانی به بزهدیدگان اقدام به تهیه يك طرح عملیاتی با مشارکت بزهدیدگان کردند و جلسات متعدد سخنرانی به‌منظور افزایش هوشیاری و آگاهی پلیس در زمینه

خسونت‌های خانوادگی و نقش پلیس در پیشگیری از آن برای افراد پلیس تشکیل شد. در ایالات متحده دیویس و اسمیت نتایج حاصله از بررسی اولیه یک طرح پیشگیری از جرم را که درباره بزه‌دیدگان جدید به اجرا درآمده بود، گزارش کرده‌اند. به یک گروه از بزه‌دیدگان سرقت به‌عنف و سرقت اماکن و ضرب و جرح درباره پیشگیری از جرم دستوراتی داده‌شده و وضعیت ایمنی منازل آنان به‌طور رایگان بهبود یافته بود. به‌گروه دیگری از بزه‌دیدگان مشابه فقط مشاوره بحران سنتی ارائه شده بود ولی درباره پیشگیری از جرم به آنها دستوری داده نشده بود. بزه‌دیدگانی که آموزش پیشگیری از جرم دیده بودند در مقایسه با گروهی که مشاوره بحران سنتی به آنها ارائه شده بود بیشتر به احتمال توانایی اجتناب از بزه‌دیدگی جرم معتقد بودند و بیشتر احتمال داشت که رفتارهای محتاطانه را به‌کار ببرند. بزه‌دیدگانی که تحت آموزش پیشگیری از جرم قرار گرفته بودند ۳۳ درصد کمتر دچار بزه‌دیدگی تکراری در طول ۱۲ ماه بعد از آموزش شده بود. با وجود کوچک بودن نمونه، تفاوت بزه‌دیدگی از لحاظ آماری حائز اهمیت بود. کار با بزه‌دیدگان تکراری در مراحل اولیه توسعه قرار دارد و هنوز به‌طور دقیق مورد ارزیابی قرار نگرفته است. با این حال کار بریتانیایی‌ها دربردارنده مفاهیم اساسی در زمینه کنترل جرم و پیشگیری وضعی از جرم است.

آیا پیشگیری از وقوع جرم عملی اخلاقی است: فلسون و کلارک (در مطبوعات)

درباره مسائلی صحبت کرده‌اند که پیشگیری وضعی از جرم را با انتقاداتی از جناح راست و جناح چپ مواجه ساخته است. آنها معتقدند این رویکرد بار مسئولیت پیشگیری از جرم را بر دوش بزه‌دیدگان تحمیل می‌کند یا اینکه قابلیت‌های اخلاقی مجرمین را نادیده می‌گیرد یا اینکه به نقش بی‌عدالتیهای اقتصادی و اجتماعی در وقوع جرم توجهی ندارد. فلسون و کلارک از پیشگیری وضعی دفاع کرده و معتقدند که این نوع از پیشگیری با اصولی که جرم را در جامعه لیبرال دموکرات اداره می‌کند سازگار است که براساس اصول مذکور:

الف) همه اقدار جامعه باید از نتایج و آثار پیشگیری به طور مساوی بهره‌مند می‌شوند.

ب) به حقوق افراد بایست احترام گذاشته شود.

ج) همه اجزای جامعه بایست در پیشگیری از جرم مسئولیت مشترک داشته باشند.

فلسون و کلارک سپس استدلال می‌کنند که پیشگیری وضعی از نظر اخلاقی برتر

از سایر اشکال پیشگیری است چونکه قابل دفاع‌ترین صف‌آرایی جامعه در مقابل جرم

است به نحوی که سبب می‌شود زمینه بزه‌دیدگی مردم در اثر وقوع جرم از بین برود،

و سوسه‌ها تقلیل یابد و موجبات رنجش کسانی که از این قواعد پیروی نمی‌کنند فراهم

گردد. با این وجود، به خاطر کاربردهای غلط پیشگیری وضعی از جرم می‌توان

استثنائاتی را پذیرفت. ما در ذیل به دو مورد از جالبترین آنها می‌پردازیم.

آثار مخرب پیشگیری وضعی بر جامعه: مفهوم پیشگیری وضعی از جرم از

بسیاری جهات مشابه مفهوم رهیافت قدیمی کاهش فرصتهای مجرمانه به‌منظور

پیشگیری از جرم است. تعبیر روزن‌بام از کاهش فرصتها و نظر او درباره اینکه از بین

بردن یا کاهش دادن فرصتهای خاص ارتکاب جرم بهتر از تغییر انگیزه بزه‌کاران است

با تعریف کلارک از پیشگیری وضعی که قبلاً ارائه گردید مطابقت دارد. انتقاد از

رهیافتهایی این چنین کار چندان ساده‌ای نیست چون اساساً بر عقل سلیم بنا نهاده

شده‌اند. بعضی مدعی هستند که فرصتهای جرم را نمی‌توان از طریق مدیریت، و

مداخله در محیط از بین برد. با این حال حداقل از دو جهت پیشگیری وضعی از جرم

قابل بحث است:

الف) پیشگیری وضعی ما را به سوی جامعه‌ای «برادر بزرگتر مآب»^۱ سوق می‌دهد.

1- Big brother society

اورول نویسنده انگلیسی، در کتاب خود تحت عنوان «۱۹۸۴» از برادر بزرگ به‌عنوان شخصی با نفوذ و پر قدرت که در تمامی شئون زندگی افراد و جامعه حضور همه‌جانبه و نامرئی دارد یاد می‌کند. او کسی است که بسادگی حق همه‌گونه تصمیم‌گیری حتی در مورد زندگی خصوصی افراد را به خود اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر برادر بزرگ سمبل سلب اراده از مردم و اعمال نیات و نظرات و سلیقه‌های شخصی حکومت است. (دکتر جن‌جی‌ام و ن‌دیک، ضمانت اجرای جزایی و فرآیند تمدن، ترجمه محمد نبوی، مجله کانون وکلاء، شماره ۵، ۱۳۷۰).

ب) پیشگیری وضعی جرم را از بین نمی‌برد بلکه آن را از محل دور می‌کند و سبب جابه‌جایی آن می‌گردد. همان‌طور که در نمونه‌های ارائه شده از پیشگیری وضعی از جرم ملاحظه گردید یکی از راههایی که پیشگیری وضعی از جرم با توسل به آن موجب ارباب مجرم می‌شود، اصلاح محیط فیزیکی به منظور اخطار به مجرمین بالقوه در خصوص مشکل بودن ارتکاب جرم یا به احتمال زیاد عقیم ماندن آن است. اطلاعات مربوط به این قبیل تغییرات در محیط فیزیکی، به همان میزان که در اختیار عموم است به همان‌قدر نیز باید در اختیار قانون‌شکنان بالقوه قرار گیرد. اطلاعاتی که می‌تواند آثار و نتایج ناخواسته‌ای به دنبال داشته باشد. اسکوگان مدارکی جمع‌آوری کرده‌است که حاکی است محیط فیزیکی (گیت‌های آهنی) در میزان ترس از جرم عامل تعیین‌کننده مهمی می‌باشد و روشهای پیشگیری از جرم می‌توانند در این مسئله نقش داشته‌باشند. روزبنام و بیکمن گزارش کرده‌اند که در بررسی اولیه یکی از طرحهای پیشگیری از جرم سرقت اماکن دریافته‌اند که میزان ترس دریافت‌کنندگان خدمات پیشگیرانه متناسب با اقدامات کنترلی افزایش یافته‌است. همان مداخله در محیط که اختطاری به مجرمین بالقوه محسوب می‌گردد ممکن است به سایر شهروندان این پیام را القا کند که محیط خطرناک می‌باشد. واضح است که افزایش اقدامات امنیتی آشکار موجب می‌شود تا افراد و شهروندان عادی به‌خاطر ترس از بزه‌دیدگی کمتر به خیابانها و پیاده‌روها قدم بگذارند. این‌گونه رفتار اجتناب‌آمیز قابلیت همسایگان را در مراقبت، مداخله و سایر فعالیت‌هایی که برای پیشگیری از جرائم خیابانی سازماندهی شده تحلیل می‌برد. تحقیقات مکمل دیگری لازم است تا مشخص گردد تغییرات محیطی طراحی شده به‌منظور کاهش جرم تا چه حد در احساسات مجرمین و شهروندان تأثیر داشته‌اند. نگرانی دیگری که درباره پیشگیری وضعی از جرم وجود دارد جهت‌گیری یک‌سویه آن در کاهش جرم است. پایین بودن نرخ جرم، در صورتی که به قیمت وحشتزدگی مردم یا افزایش ترس آنان تمام شود، چندان موجب آسایش و آسودگی

خیال نیست. پیشگیری از سرقت‌های مقرون به آزار در اتوبوسها از طریق جایگزینی بلیط به جای کرایه نقدی یا به‌کارگیری دوربینهای مدار بسته هدفی قابل ستایش است اما ضروری است که موفقیت‌های حاصله از آن با میزان کاهش مسافرت با اتوبوس که ناشی از به‌کارگیری اقدامات پیشگیرانه است سنجیده شود. لازم است که دست‌اندرکاران و ارزیابان پیشگیری وضعی از جرم نه تنها از جابه‌جایی جرم بلکه از سایر آثار ناخواسته این رهیافت بخوبی آگاهی داشته‌باشند. همچنین برخی کاربردهای پیشگیری وضعی از جرم خطر تضعیف پویایی اجتماعی محلات را بیشتر از تقویت آنان فراهم می‌سازد. رهیافت کنترل رسمی اجتماعی برای پیشگیری از جرم در پی قوی‌تر ساختن احساس جمعی جامعه و تقویت و افزایش کنشهای متقابل اجتماعی است و برخی از استراتژیهای پیشگیری وضعی از جرم با اهداف پیشگیری از جرم از طریق افزایش کنترل رسمی اجتماعی مطابق می‌باشند. هر دو رهیافت، برای مثال از نظریه طراحی شهری که موجب افزایش مراقبت عمومی در مناطق مسکونی می‌شود طرفداری می‌کنند. با این حال، به‌کارگیری دوربینهای مدار بسته تلویزیونی ممکن است سبب کاهش کنشهای اجتماعی به‌ویژه در مناطق و محلاتی که ساکنین آنها از مقامات مسئول ترس دارند، شود. چنین امکانی در محله‌هایی که ساکنین آنجا اقلیتهای تهیدست یا مهاجرین جدید الوردی می‌باشند که از دست دولتهای زورگو در کشور خودشان فرار کرده‌اند، چندان طرفدار ندارد و موردپسند نیست. در صورتی که واکنش متقابل در اماکن عمومی کاهش یابد فرصتهای جرائم ارتكابی بی‌نتیجه افزایش می‌یابد. کلارك نسبت به این انتقادات چندان بی‌توجه نیست و می‌داند که ممکن است برخی از تدابیر پیشگیری وضعی از جرم موجب پدید آمدن کابوسهای شبانه و نگرشی توأم با وحشت به آینده شود.

به‌کارگیری افراطی غیرجذاب و توأم با ایجاد مزاحمت استراتژی حمایت و حفاظت

از آماجهای جرم (برای مثال سیمهای خاردار، سگهای نگهبان و مواردی از این قبیل) یا مراقبت رسمی (برای نمونه دوربینهای مدار بسته) به ادعای او، ممکن است در نظر برخی جامعه دژگونه یا جامعه‌ای را که توسط قدرت غالب کنترل می‌شود تداعی نماید. به نظر نمی‌رسد که کلارک چندان از این‌گونه مسائل ناراحت باشد. او ادعا می‌کند که برخی از کاربردهای پیشگیری وضعی از جرم محبوب هستند و مردم نیز غالباً در قبال تأمین امنیت خودشان راضی به واگذاری مقداری از خودمختاریشان می‌باشند و اگر مردم به اندازه کافی آشفته و ناراحت شوند با مؤسساتی که از حد خود پا را فراتر نهاده باشند کار نخواهند کرد.

توجه به اولویتهای مصرف‌کننده در اختفاء و پنهان‌کاری در مؤسسات کوچک امکان‌پذیر است. اما شرکتهای بزرگ و ادارات دولتی ممکن است در پاسخگویی به حساسیتهای مشتریان چندان توفیق مناسبی نداشته باشند. بعلاوه اگرچه کلارک به پیشگیری وضعی از جرم به‌عنوان نوعی پدیده دارای منشاء اجتماعی می‌نگرد، اما استراتژی‌هایی از قبیل نصب دوربینهای مدار بسته به منظور مراقبت از اماکن عمومی در سطح کلان و وسیع فقط از عهده دولت برمی‌آید.

مطمئناً عقیده کلارک در خصوص اینکه پیشگیری وضعی از جرم لزوماً دال بر وجود قلعه‌های نظامی مسلح یا از هم پاشیدن جامعه نیست صحیح است. اما بحث در این است که اگر افرطیون ضدجرم معیارهای پیشگیری وضعی از جرم را بدون نگرانی‌هایی که درباره سایر نتایج آن دارند بپذیرند چه پیش می‌آید؟

جابه‌جایی جرم^۱: پیشگیری وضعی از جرم بر این نظریه اساسی که رفتار مجرمانه

۱- پیشگیری وضعی از جرم بر اساس گسستن یکی از حلقه‌های زنجیره حوادث و وقایعی که قابل خنثی‌سازی بوده و سبب بروز جرم می‌گردد استوار شده است. منتقدین معتقدند که اگر براساس نظریه مذکور جرمی خنثی و عقیم گردید دلیلی در دست نیست که حتماً بتوان مطمئن شد مجرم بالقوه بدنبال فرصت دیگری، در جای دیگر، برای ارتکاب همان جرم یا جرم دیگری نخواهد بود. و بهترین کاری که روش‌های پیشگیری وضعی از جرم انجام می‌دهند جابه‌جایی فعالیت مجرمانه در زمان، مکان و شگرد و نوع جرم می‌باشد. جابه‌جایی جرم را می‌توان به چند نوع بشرح ذیل تقسیم نمود:

با گسستن يك حلقه از زنجیر حوادث و وقایع قابل خنثی‌سازی می‌باشد، استوار گردیده‌است. براساس این مدل در صورتی که جرمی خنثی و عقیم گردید، دلیلی در دست نیست تا حتماً بتوان مطمئن بود که مجرم بالقوه به دنبال فرصت دیگری در جای دیگری برای ارتکاب جرم نخواهد گشت. در واقع اگر ارتکاب جرم به تمایل مجرمانه افراد بستگی داشت، پیشگیری وضعی از جرم به يك سیاست عمومی تبدیل نمی‌شد. بهترین کاری که این نوع از پیشگیری انجام می‌دهد جابه‌جایی فعالیت مجرمانه در زمان، مکان، شگرد و نوع جرم می‌باشد. این شیوه ممکن است بتواند فقط موجب دلخوشی تجار یا سایر شهروندان در حفاظت از اموال خودشان یا اشخاص گردد اما

- ←
- ۱- جابه‌جایی موقتی: جابه‌جایی موقتی جرم زمانی رخ می‌دهد که اقدامات انجام شده برای پیشگیری از جرم موجب شود مجرم بالقوه ارتکاب عمل مجرمانه مورد نظرش را به زمان دیگری موکول نماید. این نوع از جابه‌جایی همیشه امکان‌پذیر بوده و غالباً مورد تصدیق محققین قرار گرفته‌است.
 - ۲- جابه‌جایی محلی: جابه‌جایی محلی زمانی پدید می‌آید که اقدامات پیشگیرانه سبب شود مجرم بالقوه عمل مجرمانه مورد نظرش را در مکان و محل دیگری مرتکب گردد.
 - ۳- جابه‌جایی تاکتیکی: این نوع از جابه‌جایی هنگامی رخ می‌دهد که اقدامات انجام شده برای پیشگیری از جرم موجب شود مجرم برای ارتکاب عمل مجرمانه‌ای که مد نظر دارد از روش متفاوتی استفاده کند.
 - ۴- جابه‌جایی آماج جرم: جابه‌جایی آماج جرم زمانی پدید می‌آید که اقدامات پیشگیرانه سبب گردد مجرم هدف دیگری را برای ارتکاب جرم برگزیند. مثلاً ممکن است افزایش اقدامات امنیتی در بانک‌ها به منظور پیشگیری از وقوع سرقت‌های مسلحانه مجرمین را به‌سوی انتخاب اهداف سهل‌الوصول‌تر سوق دهد و حتی ممکن است سرقت‌های مسلحانه به منازل جابه‌جا گردد، این موضوعی است که می‌تواند میزان ترس از جرم را در جامعه افزایش دهد.
 - ۵- جابه‌جایی مجرم: ممکن است مجرمین دیگری جای مجرمینی را که جابه‌جا شده و از محل مورد نظر رفته‌اند پر نمایند.
 - ۶- جابه‌جایی شغلی: این نوع از جابه‌جایی زمانی رخ می‌دهد که اقدامات انجام شده برای پیشگیری از جرم موجب شود مجرم دست از ارتکاب جرم مورد نظرش برداشته و در عوض جرم کاملاً متفاوت دیگری را مرتکب گردد.

منتقدین معتقدند روشهای پیشگیری وضعی ممکن است بتواند موجبات دلخوشی تجار یا دیگران را به‌خاطر محافظت و مراقبت از اموالشان یا اشخاص فراهم نماید اما برای سیاستگذارانی که علاقمند به کاهش جرم در جوامع بزرگ هستند چندان جالب توجه نمی‌باشد. بنابراین مشکل جابه‌جایی جرم موجب شده‌است که طرفداران پیشگیری وضعی مورد انتقاد قرار گیرند.

کلارک ادعا می‌کند که جابه‌جایی جرم هنوز به يك نگرانی جدی تبدیل نشده و حتی احتمال تبدیل آن نیز اثبات نگردیده‌است. او می‌داند که ارزیابی‌های به‌عمل آمده از طرحهای پیشگیری وضعی در دهه ۷۰ اغلب به‌نتایجی درباره جابه‌جایی جرم است یافته‌اند. اما با این حال معتقد است که تحقیقات اخیر نشان می‌دهند با وجود اینکه همیشه امکان جابه‌جایی وجود دارد اما بندرت چنین چیزی اثبات گردیده‌است.

برای سیاستگذارانی که علاقمند به کاهش وقوع جرم در جوامع بزرگتر هستند چندان جالب توجه نیست. بنابراین، مشکل جابه‌جایی جرم موجب شده‌است طرفداران پیشگیری وضعی مورد انتقاد قرار گیرند.

کلارك ادعا می‌کند که جابه‌جایی جرم هنوز به‌عنوان يك نگرانی جدی در نیامده‌است. او می‌داند که ارزیابی‌های به‌عمل آمده از طرح‌های پیشگیری از جرم در دهه ۷۰ اغلب به‌نتایجی درباره جابه‌جایی جرم دست یافته‌اند اما او می‌گوید تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که اگرچه همیشه امکان جابه‌جایی وجود دارد اما بندرت چنین چیزی تحقق پیدا کرده‌است.

در واقع کلارك ویز بورد معتقدند که به‌کارگیری پیشگیری وضعی به‌جای ایجاد جابه‌جایی می‌تواند سبب پخش منافع گردد. به‌همین خاطر جرایمی که مستقیماً مد نظر طرح‌های پیشگیری وضعی نبوده‌اند کاهش یافته‌اند. این پدیده در طول سالیانی که ارزیابی‌های متنوعی از تلاش‌های ضدجرم، هر از چندگاه، به‌عمل آمده کاملاً مشهود بوده‌است.

به بیان دیگر کلارك یکی از جدی‌ترین و مهمترین انتقادات بالقوه بر پیشگیری وضعی را به یکی از بهترین مزایای بالقوه آن تبدیل نموده‌است. آیا کارشناسان دیگر نیز با این نظر که در به‌کارگیری تکنیک‌های پیشگیری از جرم جابه‌جایی بندرت رخ می‌دهد موافقت می‌کنند؟

لاب دلایلی مرتبط با جابه‌جایی جرم که در اثر اجرای برنامه‌های پیشگیری توسط شهروندان پدید آمده را (سرقت به‌عنف و اماکن) مدنظر قرار داده و نتیجه گرفته‌است که جابه‌جایی جرم در ارزیابی آثار پروژه‌های پیشگیری از جرم موضوع قابل باور و احتمالی است. مطالعات دیگر نیز نتایج مشابهی به‌دست آورده‌اند با این حال تعبیر و تفاسیر انجام شده متفاوت می‌باشند.

مروری جامع‌تر بر ۵۵ مطالعه‌ای که پیرامون پیشگیری از جرم انجام شده نشان

داده که در حدود $\frac{2}{3}$ از آنها نشانه‌هایی از جابه‌جایی جرم به دست آمده (۳۳ مطالعه) و در ۶ مورد از مطالعات آثار «انتشار یا پخش منافع» وجود داشته است.

«هسلینگ» در حمایت از موقعیت کلارك گفته است که در صورت وقوع جابه‌جایی، مقدار جرم جابه‌جا شده کمتر از میزان جرم عقیم یا خنثی شده می‌باشد. او همچنین نتیجه گرفته است که تمایل به ارتکاب جرم انعطاف‌پذیر می‌باشد و این موضوع مغایر با مباحث قبلی پیرامون جابه‌جایی جرم است. به بیان دیگر مجرمین بالقوه وقتی فرصتی را از دست داده باشند در شرایط دیگر به سادگی مایل به ارتکاب جرم نیستند.

«ایک» ۲۳ مطالعه انجام شده در این خصوص را مورد بررسی قرار داده و درباره جابه‌جایی جرم به دلایلی کمتر از آنچه که سابقاً انتظار داشته دست یافته است. او در ۱۸ مورد از مطالعات آثاری از جابه‌جایی نیافته و در ۱۲ مورد آثار خفیفی از جابه‌جایی دیده و فقط در ۳ مورد توانست که آثار بسیار محسوس جابه‌جایی را بیابد. «ایک» معتقد است که احتمال جابه‌جایی جرم را می‌توان با توجه دقیق به وجود فرصتهای مشابه، که مجرمین می‌توانند از تکنیکهای آشنا در آن فرصتها استفاده کنند یا در شرایط مشابه کار کنند پیش‌بینی نمود. متأسفانه مفهوم مخالف استدلال مذکور این است که بسیاری از مجرمین که اقداماتشان عقیم مانده می‌توانند فرصتهای مشابه را بیابند، مگر اینکه اقدامات پیشگیری وضعی در سطح وسیعی در جامعه به کار گرفته شود.

احتمال وقوع جابه‌جایی در مورد خرده‌فروشان خیابانی مواد مخدر بسیار بیشتر است. دیویس و لوریجیو گزارش کرده‌اند که دلایلی مواد مخدر جرمی است که اغلب اگر در محلی جلوی آن با تدابیری گرفته شود بسادگی به جای دیگری از نظر مکانی منتقل خواهد شد.

پلیس و اقدام‌کنندگان محلی اغلب معتقدند که دلایلی مواد مخدر به طرز خاصی سرسخت هستند آنها با رانده شدن از يك محل، به خاطر انگیزه‌های مالی بسیار بالایی که دارند، سعی می‌کنند در جای دیگر به کارشان ادامه دهند. با این وجود براساس

مطالعات ایک دلایل به دست آمده از ارزیابی اقدامات ضد مواد مخدر محلات نشان می‌دهد که جابه‌جایی ظاهری بندرت پدید آمده‌است. برای مثال تنها در تعداد کمی از مطالعاتی که پیرامون سخت‌گیریهایی پلیس در خصوص مواد مخدر به عمل آمده جابه‌جایی دیده شده‌است. مطالعات انجام شده پیرامون اقدامات به عمل آمده در زمینه کاهش منازل مواد مخدر (محل‌های استعمال مواد مخدر) نشان می‌دهد که اقدامات اجتماعی منجر به کوتاه شدن دست مجرمین مرتبط با مواد مخدر شده‌است. در بررسی که دیویس و لوریجیو انجام داده‌اند نشانه‌های کمی از وقوع جابه‌جایی پس از اینکه دلالت از آن محل رانده شده‌اند به دست آمده‌است. جابه‌جایی مسئله پیچیده‌ای است و می‌تواند به طرق گوناگونی واقع شود. و بررسی تمامی خیابانها برای حصول اطمینان از وقوع آن کاری بسیار دشوار و عملاً غیرممکن است. اما عقیده عمومی بر این است که جابه‌جایی نتیجه اجتناب‌ناپذیر به کارگیری تکنیک‌های پیشگیری وضعی نمی‌باشد. این یافته‌ها بوضوح مغایر با دیدگاه وضعی فعالیت مجرمانه می‌باشد. به عبارت دیگر در شرایط درست و مناسب جابه‌جایی می‌تواند رخ دهد اما این واقعیت مستدل برای تئوریسین‌های ناب وضعی بسادگی قابل درک نیست. تحقیقات بسیاری در این زمینه مهم لازم است تا بتوان شرایطی را که جابه‌جایی ممکن است در آن رخ دهد تعیین نمود.

نتیجه

رویکردهای وضعی برای پیشگیری از جرم در طول دوران کوتاه عمر کاربردی خود موفقیت‌های تحسین‌برانگیزی را کسب کرده‌اند طرفداران این نوع پیشگیری به وضوح نشان داده‌اند که کاهش فرصتها می‌تواند برای ارباب بزهکاران و بازدارندگی از جرم، بدون توجه به علل اصلی جرم و بدون نیاز به بازسازی شعور جمعی از دست رفته کافی و مفید باشد. آنها همچنین نشان داده‌اند که فرصتهای خنثی

شده لزوماً منجر به جابه‌جایی نمی‌شود. هرچند، مجرم بتواند فرصتهای مشابهی با اندکی تلاش به‌دست آورد جابه‌جایی امکان‌پذیر است. واضح است که پیشگیری از جرم بدون در نظر گرفتن علل اصلی وقوع جرم یا بازسازی نقایص جوامع با محدودیتهای زیادی توأم خواهد بود و گذر زمان برای ما این محدودیتها را مشخص خواهد ساخت، اما اکنون به‌نظر می‌رسد که با مداخله در زنجیره علی و وقوع جرائم می‌توان از آمارها کاست و از تکوین جرم جلوگیری نمود.

موضوع مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که اگرچه تعداد رو به رشد مطالعات وضعی دلایلی را در حمایت از کارآیی استراتژیهای پیشگیری وضعی به‌دست آورده‌اند اما متأسفانه مقدار این دلایل بسیار کم است. معمولاً، طرحهای تحقیقاتی، مطالعات موردی کوتاه مدتی هستند که فاقد گروههای کنترل خوب و ارزیابی مناسب می‌باشند. خود کلارک ادعا می‌کند که در اغلب مطالعات موردی ارزیابیهای شخصی نسبتاً ناقص انجام شده‌است. ویزبورد علیرغم حمایتش از این نظریه خاطر نشان می‌سازد که اکثراً در عرصه‌های عمل پیشگیری وضعی از جرم، موفقیت زیاد، دلایل تجربی موجود را کم‌رنگتر کرده‌است. بدیهی است که محققین باید اقدام به طراحی و اجرای ارزیابیهای جدیدی درباره اقدامات پیشگیری وضعی بنمایند. با وجود اینکه نیاز شدیدی به انجام تحقیقات تجربی احساس می‌شود، اما آینده پیشگیری وضعی از جرم امیدبخش و مفاهیم آن برای اداره جامعه بااهمیت به‌نظر می‌رسد. در روان‌شناسی میان پیشگیری و رفتار درمانی که به مداخله در زنجیره‌های علی و قایع بیشتر از علل اصلی رفتاری و اختلالات روانی می‌پردازد شباهت قابل توجهی وجود دارد. به مرور زمان مشخص شده‌است که رفتار درمانیهای اثباتی می‌توانند مؤثر واقع شوند.

درواقع، ثابت شده‌است که این روشها در برابر يك سری از اختلالات روانی بیشتر از روشهایی که به ریشه‌های اصلی رفتار می‌پردازند مفید واقع شده‌اند. از

دیدگاه سیاسی، پیام این است که ما همیشه نیاز نیست که علل رفتار را برای جلوگیری از واقعه شناسایی کنیم. با این حال لازم است به خاطر داشته باشیم که هر اقدامی حتی پیشگیری وضعی از جرم می‌تواند پیامدهای غیرمنتظره‌ای نیز به دنبال داشته باشد. تنها بررسی مسئله جابه‌جایی جرم کافی نیست.

همان روشهای محیطی که موجب کاهش جرم می‌شوند می‌توانند برای شهروندان به‌عنوان علائم و نشانه‌هایی دال بر خطرناکی محیط باشند. دیدگاه منازل مستحکم و امن، مراقبت اماکن عمومی به وسیله دوربینهای مدار بسته یا نصب شیشه‌های ضدگلوله در بانکها می‌تواند به ما کمک کنند تا بگوییم که چگونه درباره خودمان فکر می‌کنیم و چه اندازه به یکدیگر اعتماد داریم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی